مغبر بودن فضای بحث و قرائن منفصله بر قبة الارض بودن مکه

(21:10)

شاگرد: روی بیان حضرت عالی محاجّه درست در می‌آید، به این صورت که هر دو کبری را قبول دارند ولو تطبیقش متفاوت است.

استاد: بله، یعنی خلاصه روز قبل از لیل می‌شود؛ چون بحث سر همین است. حالا اینکه طبق آنها منتصف شاخص، سیستان باشد یا آن شاخص برای دحو الارض باشد، معلوم نیست. البته شروع بحثی که عرض می‌کنم فی الجمله گاهی توجه ذهنی هم دارم که الآن داریم به‌صورت مغبّر و همباشته بحث می‌کنیم، ولی بعد از اینکه بحث دقیق شد اینها از هم جدا می‌شود. اما خوبی ِاین بحث همباشته این است که شما در ضمن یک جمله‌ای یک حرفی را می‌آوردی که باید به چندین ماخذ مراجعه کنید. همه اینها یک نحو دارد صیانت می‌کند؛ وقتی به آن منابع مراجعه می‌کنید چه بسا قرینه متصله ندارند بر اینکه منظور این است ولی ما از این باب که چند حدیث در ذهنمان هست، آنها را از باب قرینه منفصله به هم تطبیق می‌دهیم. خب وقتی بعداً تدقیق می‌کنیم ممکن است اینها از هم جدا شوند. آقا هم فرمودند این روایت که نصف النهار مکه را نمی‌گوید. درست هم هست. اما علی ای حال در مجموعه مطالب دحو الارض را داریم. اگر بیست و پنجم ذی القعده هم باشد، دحو الارض دارد یک نقطه‌ای را معیّن می‌کند. پس تعیین نصف النهار، از بیست و پنجم ذی القعده هم در می‌آید؛ چون دارد مکانی را معیّن می‌کند. در روایت «طالع الدنیا السرطان» هم درست است که یک مکانی در می‌آید اما چون دارد زمان خاصی را می‌گوید –زمانیکه شمس در وسط سماء است- شما می‌گویی مالزمه ای ندارد. مانعی ندارد. دحو الارض دارد یک نصف النهاری را روی نقطه مکانی بیان می‌کند و می‌گوید دحو از اینجا شروع شده است. این روایت هم می‌گوید یک زمانی بود که شمس در وسط آسمان است؛ زمان باز دارد یک نصف النهار خاص مکانی را تعیین می‌کند. چون زمان خاص با وضع شمس در وسط سماء لامحاله یک نصف النهار را تعیین می‌کند. پس دو حدیث ولو آن مربوط به بیست و پنجم ذی القعده است، ولی روایت دیگر روی حسابی که گفت «و القمر فی شرفه» اول ماه می‌شد، ولی با همه اینها هر دو همگرا هستند؛ در اینکه هر دو دارند یک نصف النهار شخصی را تعیین می‌کنند. می‌گویی این نصف النهار شخصی یعنی یک شخص معین؟ نه، یک نصف النهار شخصی است ولو آن می‌گوید نصف النهار سیستان است و دیگری می‌گوید نصف النهار مکه است. اما در اینکه خلاصه، بحث و فضای پیشروی بر مبنای یک شخص نصف النهار است، باز مشترک می‌شوند. از این ناحیه همگرا می‌شوند. حالا برگردیم و ببینیم آن دحو الارض دارد یک نقطه مکانی را معین می‌کند که ملازم با این نصف النهار شخصی است. روایت طالع الدنیا دارد زمان و لحظه‌ای را می‌گوید که شمس در وسط سماء است و وسط السماء بودن آن لحظ شمس با این نصف النها شخصی ملازمه قطعیه دارد، حالا باید ببینیم این دو یکی می‌شوند یا نه. خب این با ادله بعدی و محتملات بعدی می‌شود [صحبت کرد]. روایات زیادی تعیین کرده که نصف دنیا، مکه است. اینها تأییدی می‌شوند برای آن. اما از اینکه حضرت با آن منجم صحبت می‌کردند...، حالا باید باز ببینیم در زیج سندهند چگونه است.

بازبینی #2
ایجاد شده 14 ژانویه 2026 13:53:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 ژانویه 2026 14:08:37 توسط ... .